روزنامه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی

همشهری

دوشنبه ۲ آبان ۱۴۰۱ ■ سال سی‌ام ■ شماره ۸۶۲۰ ■ تولید؛ دانش بنیان، اشتغال آفرین

■ حضرت امیر المؤمنین علی ع: با خردمندان مشورت کن، تا از لغزش و پشیمانی در امان باشی.

■ اذان ظهر: ۱۱:۴۹ ■ غروب آفتاب: ۱۷:۱۸
■ اذان مغرب: ۱۷:۳۷ ■ نیمه شب شرعی: ۲۳:۰۷
■ اذان صبح فردا: ۴:۵۵ ■ طلوع آفتاب فردا: ۶:۲۰

■ صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
■ مدیرمسئول: عبدا... گنجی
■ سردبیر: دانیال معمار

■ پذیرش آگهی: ■ تلفن: ۸۴۳۲۱۰۰۰

■ توزیع و اشتراک: موسسه نشرگستر امروز نوین ■ تلفن: ۶۱۹۳۳۰۰۰

■ چاپ: همشهری ■ تلفن: ۴۸۰۷۵۰۰۰

■ دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه شهید سیدکمال قریشی، شماره ۱۴
■ کدپستی ۴۵۹۵۶-۱۹۶۶۶ ■ تهران، صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۵۴۴۶
■ تلفن: ۲۳۰۲۳۰۰۰، نمابر: ۲۲۰۴۶۰۶۷

■ همشهری: www.hamshahrionline.ir
■ سایت روزنامه: newspaper.hamshahrionline.ir

صفحه آخر

دلا بسوز که سوز تو کارها بکند
نیاز نیم شبی دفع صد بلا بکند
حافظ

گرینویچ

وداع با حیوانات خانگی در استرالیا

در فرهنگ غربی، حیوانات خانگی برای صاحبانشان بسیار عزیز هستند و هر کاری که بتوانند برای آنها می‌کنند. اما در استرالیا، با وجود این فرهنگ قدیمی، شرایط اقتصادی باعث شده تا مردم حیوانات خانگی‌شان را رد کنند. این روند، در ماه‌های اخیر بسیار شدید شده چون به گفته رسانه‌های بین‌المللی، مردم باید بین غذا دادن به حیوانات خانگی یا فرزندانشان، یکی را انتخاب کنند. مردم به‌خصوص از پس هزینه سگ‌هایشان برنمی‌آیند و آنها را به کمپ‌های نگهداری حیوانات می‌برند. مسئله این نیست که وضعیت بحرانی اقتصاد، فقط هزینه‌های زندگی را برای انسان‌ها بالا برده، بلکه غذای حیوانات هم به‌شدت گران شده و میانگین قیمت آن امسال در مقایسه با پارسال، ۱۲درصد افزایش یافته است. در مقایسه، مواد غذایی در استرالیا، فقط ۶درصد در مقایسه با سال گذشته افزایش یافته است. این فقط سگ‌ها نیستند که به مراکز نگهداری سپرده می‌شوند. روند سپردن گربه‌های خانگی به آنها هم به‌شدت افزایش یافته است.

عزیز مادر و فقط مادر

کم پیش می‌آید ما انسان‌ها به قیافه مورچه‌ها فکر کنیم. آنها را می‌بینیم که تند تند برای خودشان این ور و آن ور می‌روند و فکر آذوقه و ملکه و لانه‌های زیرزمینی‌شان هستند. اما از قیافه‌شان چه می‌دانیم؟ بهترین پاسخ این است که‌ای کاش همینطور در جهل می‌ماندیم. انتشار تصویری از قیافه‌های مورچه‌ها، دنیا را از زشتی و ترسناکی صورت این موجودات ریز و خستگی‌ناپذیر شوکه کرده است. یک عکاس طبیعت در لیتوانی، برای شرکت در یک مسابقه سالانه، یک عکس بزرگ‌نمایی‌شده از یک مورچه را فرستاده و دنیا را با چشم‌های خون گرفته، قیافه بی‌نهایت خشمگین، و دندان‌های تیز و درنده مورچه‌ها آشنا کرده است. این عکاس، این عکس را با لنزهای بسیار قدرتمند گرفته است. این عکس، حسابی در فضای مجازی سر و صدا به پا کرده و بسیاری می‌گویند، هیچ‌کس نمی‌تواند این قیافه زشت و ترسناک را تحمل کند، مگر مادر مورچه‌ها!

وحشت از آمیب مغزخوار

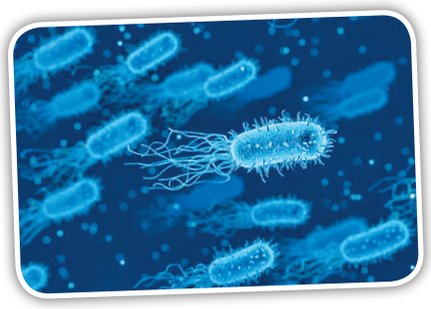

مغز یک نوجوان در لاس‌وگاس در آمریکا، مردم این شهر و فراتر از آن را به وحشت انداخته است و نزدیک شدن به آب‌های آزاد در رودخانه‌ها و دریاچه‌ها را، به رفتاری که مرگ حتمی در پی خواهد داشت، تبدیل کرده است. ماجرا از این قرار است که این جوان، به‌خاطر یک آمیب، که مغز انسان را می‌خورد جان خود را از دست داده. مقامات بهداشتی در نوادا گفته‌اند که این جوان، احتمالا حین شنا در «دریاچه مید» در معرض این آمیب خطرناک قرار گرفته است. علت مرگ این جوان، هفته گذشته علنی شد و از آن روز وحشت، جامعه محلی را برداشته است. متخصصان از مردم خواسته‌اند به جای اینکه وحشت کنند، مراقب باشند. مرکز کنترل و پیشگیری از بیماری‌ها در آمریکا گفته است که از سال ۱۹۶۲ به بعد، تنها ۱۵۴مورد در این کشور مشاهده شده است و مردم نباید نگران بوده و باید محتاط باشند. براساس بیانیه‌های بهداشتی رسمی، این آمیب از طریق بینی وارد بدن می‌شود و خودش را به مغز می‌رساند و آلوده شدن با آن، به‌معنای مرگ حتمی است. کارشناسان برای آرام کردن مردم، گفته‌اند که تنها کاری که باید بکنند این است که درون آب طوری شیرجه نزنند که آب با شدت وارد بینی‌شان شود و البته روش مطمئن‌تر، استفاده از دماغ‌گیر است.

سیرابی، محبوب جهانی

شکل و قیافه‌اش چندان چنگی به دل نمی‌زند، قبل از پخت و هنگام آن بویش برای خیلی‌ها می‌تواند آزاردهنده باشد، و طعمش حسابی جنجال‌برانگیز است؛ با این حال، سیرابی، عشاق زیادی در سراسر دنیا دارد و خیل هواداران سیه‌چاکش، سال به سال بیشتر هم می‌شود.

این غذای ساده، که به‌گفته خیلی‌ها اگر به درستی پخته شود، تمام مخالفانش را هم جذب خود می‌کند، سابقه‌ای طولانی در سفره غذای انسان‌ها دارد و در سال‌های اخیر، چنان مورد توجه قرار گرفته که یک روز جهانی هم، که امروز باشد، به نامش زده‌اند. این روز را «هیات جهانی بازاریابی سیرابی»، سازمانی غیردولتی در انگلیس، تعیین کرده و از قضا، با استقبال زیادی هم مواجه شده است. دلیل انتخاب این روز اینکه ساموئل پپی، دریانورد و مورخ معروف انگلیسی، در یادداشت‌های روزانه‌اش در ۲۴اکتبر سال ۱۶۶۲ میلادی، به سیرابی اشاره کرده و نوشته است: «در خانه‌ام و در کنار همسرم، و غذای عالی سیرابی را که با راهنمایی خودم پخته شده را صرف کردیم.»

این که انگلیسی‌ها، ملتی که هیچ ارتباط نزدیکی با سیرابی ندارند، روز جهانی سیرابی را انتخاب کرده‌اند کمی معنادار است. چون در دنیا، اینطور جا افتاده که سیرابی خوشمزه نیست، مگر اینکه ایتالیایی‌ها آن را بپزند. شاید ما ایرانی‌ها چندان با این تعریفی که در دنیا جا افتاده موافق نباشیم، اما استادان سیرابی در دنیا، ایتالیایی‌ها هستند. و البته اینکه ما ایرانی‌ها هم در این زمینه مدعی هستیم، بیراه نیست، چون علاوه بر اینکه سیرابی غذای قدیمی و سنتی ما به شمار می‌رود، سیرابی خوردن بخشی از فرهنگ ما ایرانی‌ها شده و چه در خانه‌ها که معمولا به‌صورت دسته جمعی خورده می‌شد، و چه در سیرابی‌فروش‌ها، خوردن این غذا آداب و معمولا مناسبت‌های خاصی دارد. همین وجود سیرابی‌فروشی، به‌عنوان جایی که منحصرا این غذا را می‌فروشد (البته در کنار کله پاچه)، نشان می‌دهد که سیرابی چه جایگاهی در فرهنگ غذا خوردن در ایران دارد. اما در عرصه عمومی، باز هم به‌نظر می‌رسد که ایتالیایی‌ها از ما بیشتر به سیرابی علاقه می‌دهند؛ سیرابی در ایتالیا چنان محبوب است و مشتری دارد، که فروشنده‌های دوره‌گرد در کنار خیابان آن‌را به‌دست مردم می‌دهند. و همچون ایران، مغازه‌های زیادی هستند که صرفا این غذا را می‌پزند و مثل غذاهای آماده و دم دستی، به مردم می‌دهند. سیرابی در خیابان‌ها، یا با چنگال، یا به‌صورت ساندویچ در نان سرو می‌شود. اما این بخشی از فرهنگ سیرابی خوردن در ایتالیاست؛ دستورپخت‌های بسیار زیادی درباره پختن خود سیرابی، چه آب‌پز کردن و چه سرخ کردن، وجود دارد و غذاهای زیادی هستند که سیرابی ماده اولیه اصلی آنهاست. همین است که ایتالیایی‌ها را به استادان سیرابی در دنیا تبدیل کرده است. همانطور که سیرابی خوردن در ایران، در موارد زیادی، نمادی از دورهم‌بودن و خوش‌گذراندن است، در ایتالیا هم تاریخ و پیشینه جالبی دارد بخشی از فرهنگ معاصر این کشور است. سیرابی، در واقع بازتابی از افت و خیزهای ایتالیا در چند دهه اخیر است؛ در دوره جنگ جهانی دوم که اوضاع اقتصادی این کشور فاجعه‌بار شده بود و قشر فرودست توان خرید گوشت را نداشت، به‌صورت گسترده به خوردن سیرابی روی آورد همین باعث شد این غذا، در سطح کشور با استقبال زیادی مواجه شود. اما بعدا که وضع اقتصادی بهتر هم شد، از محبوبیت این غذا کم نشد و اقشار پولدار هم به آن علاقه نشان دادند.

با همه این‌ها، نباید عشق به سیرابی را به ایران و ایتالیا تقلیل بدهیم؛ مردم بسیار زیادی در دنیا هستند که مثل ما عاشق سیرابی هستند و اصلا آن را بخشی از غذای ملی خود می‌دانند. در کشورهای زیادی، سوسیس‌های محبوب، سیرابی دارند. در مکزیک، هند، پرتغال، لهستان و فیلیپین، از سیرابی در سوپ‌های معروف استفاده می‌شود. و در ویتنام، سوپ پو که غذای ملی این کشور است، عمدتا با سیرابی پخته می‌شود. سیرابی در کشورهای انگلیسی‌زبان، چندان محبوب نیست اما همین غذا، در رستوران‌های معروف آمریکا سرو می‌شود. در انگلیس هم، که تا همین نیم قرن پیش سیرابی غذای محبوبی به‌خصوص در شمال کشور بود، جنبشی راه‌افتاده تا مصرف سیرابی را دوباره احیا کند.

اول آخر

که سر تا پا غروری ■ عکس: همشهری / حامد خورشیدی

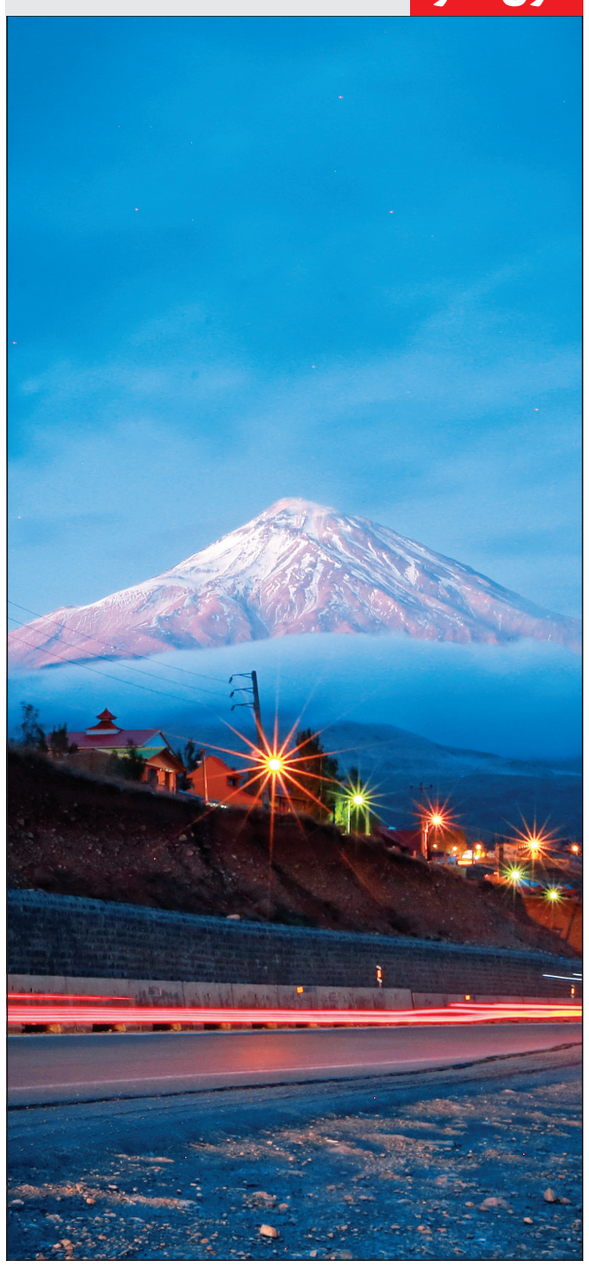

جهان‌نما

واکسن موردنظر در دسترس نیست

مهتاب خسروشاهی

هر از گاهی، نوعی داروا عم از سرم، کپسول، آمپول، واکسن و... در بازار جهانی کمیاب می‌شود و در ادامه نیز قیمت هر کدام از این اقلام کمیاب، سر به فلک می‌گذارد. بخشی از این شرایط ناشی از شیوع بعضی بیماری‌هاست؛ برای مثال کمبود آنتی‌بیوتیک‌ها در داروخانه‌ها به‌دلیل شیوع آنفلوآنزا. اما بخشی دیگر از این شرایط ناشی از عملکرد واسطه‌ها و درمواردی تغییر عملکرد تولیدکنندگان این داروهاست؛ مانند شرکت دارویی فایزر و دولت ایالات متحده که با تغییر عملکردشان، نگرانی‌هایی بابت دسترسی به واکسن کرونای رایگان یا ارزان‌قیمت ایجاد کرده‌اند.

به‌گفته شرکت دارویی فایزر، درصورتی که دولت ایالات متحده، واکسن‌های کرونای تولیدی این شرکت را خریداری نکند، قیمت هر دوز از واکسن‌های کرونای این شرکت از ۱۱۰به ۱۳۰دلار افزایش قیمت خواهد یافت. اما این شرکت امیدوار است باز هم واکسن کرونای رایگان در اختیار مردم قرار گیرد. مدیران شرکت دارویی فایزر اعلام کرده‌اند از زمانی که دولت ایالات متحده، خرید را متوقف کند، قیمت ویال واکسن کرونا برای بزرگسالان را تغییر خواهند داد که به‌نظر می‌رسد این زمان، ابتدای سال آینده میلادی یعنی ۲۰۲۳باشد. اما این شرکت امیدوار است افرادی که بیمه درمانی خصوصی داشته یا تحت پوشش برنامه‌های عمومی بهداشت- بیمه قرار دارند، بازهم بتوانند واکسن رایگان دریافت کنند. قانون مراقبت مقرون به‌صرفه، بیمه‌گران را ملزم به ارائه رایگان بسیاری از واکسن‌ها به بیمه‌گذاران می‌کند. البته به‌نظر می‌رسد شرکت فایزر در تلاش است تا براساس برنامه کمکی، به افرادی که تحت پوشش بیمه نیز نیستند، واکسن رایگان ارائه کند.

یکی از مشکلات افزایش قیمت واکسن کرونای فایزر، برای افرادی که باید این واکسن را خریداری کنند- تحت پوشش بیمه نیستند- افزایش قیمت ۲ دوز این واکسن در مقایسه با واکسن آنفلوآنزای سالانه است. به‌گفته CVS Health - که یکی از بزرگ‌ترین داروخانه‌های زنجیره‌ای ایالات متحده را اداره می‌کند- بسته به نوع واکسن آنفلوآنزا، قیمت آن از ۹۰تا ۵۰دلار متغیر است.

آنجلا لوکین، داروساز مدیر اجرایی شرکت دارویی فایزر می‌گوید: «علت افزایش قیمت واکسن کرونا، افزایش هزینه‌ها برای تغییر واکسن کرونا به ویال‌های تک دوز و توزیع تجاری آن است. علاوه بر اینکه تلاش برای حفظ کیفیت واکسن‌ها را نیز نباید نادیده گرفت.» این داروساز می‌گوید: «سال گذشته، هر دوز، ۱۹,۵دلار آمریکا هزینه داشته است و بسته به وضعیت مالی هر کشور، ۳ قیمت متفاوت در سطح جهانی دارد.»

در ماه ژوئن سال جاری میلادی (۲۰۲۲)، شرکت فایزر اعلام کرد که دولت ایالات متحده، ۱۰۵میلیون دوز اضافی را در قراردادی به مبلغ ۳۰دلار برای هر ویال، از این شرکت خریداری خواهد کرد. اما دولت امکان خرید دوز بیشتر را نیز دارد؛ اما به‌نظر می‌رسد از خرید آن امتناع می‌کند. واکسن دوشات فایزر، در اواخر سال ۲۰۲۲میلادی معرفی شده و تزریق آن به رایج‌ترین واکسن برای تزریق در ایالات متحده تبدیل شد. علاوه براین به‌گفته مرکز کنترل و پیشگیری از بیماری ایالات متحده (CDC)، بیش از ۳۷۵میلیون دوز از واکسن اصلی‌ای که شرکت فایزر با شرکت آلمانی بیونتک (BioNTech) ساخته، در ایالات متحده توزیع شده است. این واکسن، سال گذشته میلادی مبلغی به ارزش ۳۶,۷۸میلیارد دلار درآمد برای شرکت فایزر به همراه داشته است؛ که به‌نظر می‌رسد امسال ۳۲میلیارد دلار برای این شرکت به ارمغان خواهد آورد که البته پس از این پیک، فروش به سرعت کاهش خواهد یافت.

به‌گفته CDC، درحال حاضر بیش از ۹۰درصد از جمعیت بزرگسال ایالات متحده یک دوز واکسن کرونا را دریافت کرده‌اند و فقط نیمی از آنها دوز دوم تزریق کرده‌اند. به همین دلیل به‌نظر می‌رسد توقف خرید واکسن کرونا توسط دولت ایالات متحده و افزایش قیمت آن توسط شرکت فایزر، در دسترسی به واکسن کرونای رایگان در ایالات متحده و بسیاری از کشورهای جهان اختلال ایجاد کند. این مسئله می‌تواند روند ابتلا به کرونا را کماکان نگران‌کننده توصیف کند؛ به‌ویژه اینکه به فصل سرما رسیده‌ایم.

تقویم / سالروز

استا مناظره

آیت الله بهشتی با تلفیقی از ادب، برهان و سخنوری در مناظرات تلویزیونی حاضر می‌شد. مناظراتی که سال ۵۸ در فضایی آزاد بین تمام گروه‌ها برگزار شد تا ملت بتوانند درست و حسابی نظرات را بالا پایین کنند. آیت الله بهشتی در ۲سال پایانی دهه ۵۰ نماد انقلاب بود. دبیر شورای انقلاب، رئیس حزب جمهوری اسلامی، نایب‌رئیس مجلس خبرگان قانون اساسی و رئیس دیوان عالی، پست‌هایی بود که به واسطه جلب اعتماد امام(ره) به او سپرده شده بود. آیت‌الله بهشتی همچنین در جذب نیروهای جوان به فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی و تشویق آنان به سازندگی کشور توانایی قابل ملاحظه‌ای داشت و از این راه به «کادرسازی» برای جمهوری اسلامی ایران می‌پرداخت. «جهاد سازندگی» و نهادهای مشابه آن، به همین جهت از پشتیبانی و مدیریت او بهره‌مند می‌شدند. اما با این حال بهشتی آدم محبوبی برای طرفداران دولت نبود. حامیان دولت بنی‌صدر تفکرات او را مقابل منافع خود می‌دیدند و حتی در سخنرانی‌های بهشتی با شعار دادن مزاحمش می‌شدند. ۲تیر سال ۶۰ بعد از عزل بنی‌صدر از ریاست‌جمهوری، بهشتی به همراه رجایی و رفسنجانی شورای موقت ریاست‌جمهوری را تشکیل دادند، اما این عضویت فقط ۵روز بود، چون ۷تیر با انفجار بمب توسط منافقین در ساختمان حزب جمهوری در سرچشمه او و ۷۲یار امام شهید شدند. وقتی بهشتی شهید شد، خیلی‌ها فهمیدند چه اشتباه می‌کردند. برای همین بود که امام گفت: «شهید بهشتی مظلوم زیست و مظلوم مُرد و خار چشم دشمنان اسلام بود.»

بوک مارک

وجدان زنو

جعفر مدرس صادقی

حال که خودم را تجزیه و تحلیل می‌کنم، شک و تردیدی وجودم را فرامی‌گیرد: شاید تنها به این علت علاقه‌مند به سیگارم که بتوانم گناه تمام ضعف‌ها و ناتوانی‌هایم را روی دوش آن بیندازم. چه‌کسی می‌تواند بگوید با ترک سیگار، من همان مرد قوی و ایده‌آلی می‌شدم که آرزوی بودنش را داشتم؟ شاید ناخودآگاه، همین شک و تردید است که مرا وابسته به عادت ناپسندم کرده است: راهی آسان برای زندگی، با این تصور که انسان خودش را موجود فوق‌العاده‌ای فرض می‌کند که بزرگی و عظمت با سرشتش عجین شده است، منتها این عظمت و بزرگی به عللی کشف ناکرده باقی‌مانده است. من این احتمال را برای توجیه ضعف‌های جوانی‌ام پیش کشیده‌ام ولی از ته دل به آن اعتقاد ندارم.

باشگاه نویسندگان

دوشنبه

گل‌آقا و ماجرای طنزنویسی منهای دریده‌نویسی

عیسی محمدی
روزنامه‌نگار

دوم آبان ۱۳۸۱، زمانی بود که مجله گل آقا، بعد از ۱۲ سال انتشار، آخرین شماره‌اش را به چاپخانه سپرد و تمام شد. در تاریخ معاصر ایران، البته مجلات و نشریات زیادی به زیور طبع آراسته شده و تمام شدند، اما تنها تعداد کمی از آنها بودند که تبدیل به یک برند مشهور و به قول کارشناسان امر تبدیل به یک مگابرند شدند. طبیعی است امروزه به دهه پنجاهی‌ها و قبل‌تر اگر بگویید گل‌آقا، می‌دانند که منظورتان چیست و به قول معروف، برای خودش مکتبی ایجاد کرده بود. این خیلی حرف است که نشریه‌ای، هم به این سطح از شهرت برسد، هم اثرگذاری فراوانی داشته باشد و هم میزبان و البته تربیت‌کننده بخشی از طنزنویسان مشهور و صاحب‌سبک معاصر ایران باشد. اینها همه به یک‌جا، در گل‌آقا قابل مشاهده و تجمیع بود؛ نشریه‌ای که کیومرث صابری فومنی آن را منتشر می‌کرد. حالا که بحث گل‌آقا و صابری فومنی شده است، بدک نیست نکته‌هایی را با هم مرور کنیم.

تا قبل از اینکه محدودیت‌های حال حاضر برای شبکه‌های مجازی پیش بیاید، گفته می‌شد که بیشترین مخاطبان این شبکه‌ها را صفحه‌های طنز و طنازان دارند. پس طبیعی است که طنز و طنزپردازان را دارای رتبه اثرگذاری بالایی بدانیم. این امر حتی در سینما و تلویزیون هم قابل مشاهده و اثبات است؛ اینکه بیشترین و پربیننده‌ترین آثار را، غالباً آثار طنز دارند. پس قالب طنز در هر رسانه‌ای که باشد، اعم از کتاب و مجله و اینترنت و...، به‌شدت مورد توجه است. مردم، همیشه طنز را دوست دارند و با آن ارتباط می‌گیرند؛ خاصه مردمان ایرانی که گفته می‌شود خنداندن آنها به غایت کار سختی است، چرا که خودشان ذاتاً طناز هستند. اما آیا همه اهمیت طنز به این است که صرفاً مردم دوستش دارند؟ قطعاً چنین نیست.

یکی از نکته‌های به‌شدت مهم طنز و شوخ‌طبعی که غالباً نادیده گرفته می‌شود، جنبه هوشی آن است. ادوارد دوبونو، از پژوهشگران شاخص کارکردهای هوش و فکر، معتقد است که شوخ‌طبعی، بزرگ‌ترین و مهم‌ترین ویژگی ذهن آدمی است. اما چرا؟ اینکه شما از چند گزاره و مفهوم بی‌ربط به هم، در کمترین زمان ممکن بتوانید یک نکته جدید استخراج کنید که هم قالبی دارد و هم مفهومی دارد و هم خلاقیتی دارد و هم کاملاً متناسب است، واقعاً اتفاقی است که به راحتی نمی‌توان آن را توضیح داد. این امر نیاز به هوش بالایی دارد و به همین دلیل است که طنازان را، عموماً آدم‌های باهوشی می‌دانند.

نکته مهم‌تر بعدی آن است که طنز، عموماً حالت ضربه‌گیر زندگی را دارد؛ درست مثل تفریح و سفر و ارتباطات انسانی. این قضیه به قدری مهم است که حتی در بغرنج‌ترین وقایع و پدیده‌های انسانی نیز می‌توان مشاهده‌اش کرد؛ مثل جنگ. حتی در جنگ‌ها نیز افراد به‌شدت طنازی می‌کنند. چرا؟ چون طنز به ما فرصت تحمل سختی‌ها را می‌بخشد. باید بپذیریم که انسان بودن و زیستن در دنیا، قطعاً سختی‌های خاص خودش را دارد. این ماجرا چنان بوده که حتی بخشی از فلاسفه و متفکران، ماهیت انسان را با رنج تفسیر می‌کردند. اساساً خیلی از رفتارهای انسانی نیز برای گریز از این رنج‌ها بوده. بی‌دلیل نیست که می‌گویند او که می‌گرید یک درد دارد و او که می‌خندد هزار و یک درد. خنده و طنز و شوخ‌طبعی، اساساً راهی برای گریز از سختی‌هاست و راهی برای تحمل‌پذیرتر کردن آن‌ها. اگر نبود همین طنازی و شوخ‌طبعی، قطعاً انسان بسیار زودتر از پا در می‌آمد.

موضوع مهم بعدی که در حوزه طنز مطرح می‌شود، بالاتر بردن تحمل‌هاست. در طنز، شما سعی می‌کنید با پنبه سر ببرید و بدون خونریزی و ناراحت شدن دیگری، او را متقاعد کنید که در حال اشتباه است. این در حالی است که اگر به‌طور مستقیم به او یادآوری کنید که در حال اشتباه است، قطعاً مشکلات زیادی به‌وجود می‌آید و نفرت‌ها و کدورت‌ها بسیار بیشتر خواهد شد. اما طنز اجازه می‌دهد تا خیلی زیرپوستی، ایرادها را یادآوری کنیم و از سوی دیگر، دیگران نیز تحمل‌شان بالاتر برود. این بالاتر رفتن تحمل، چیزی است که امروزه به‌شدت بدان نیازمندیم.

وقتی که این گزاره‌ها را کنار هم می‌گذاریم، تازه متوجه می‌شویم کار فردی مثل کیومرث صابری فومنی چه اهمیتی داشته و چه نقشی در دهه ۷۰ بازی کرده؛ آن‌هم در دهه‌ای که هنوز فضای بازی به آن صورت نداشتیم و گل‌آقا، جزو کسانی بود که آرام آرام به ما آموخت چطور نقد کنیم و چطور تحمل بالاتری داشته باشیم. به واقع کار او، یک امر سیاسی برجسته بود؛ چرا که در یک جامعه درست و حسابی، اساساً هم سیاسیون و هم مردم، تحمل بالایی دارند و نقد کردن نیز از قداست و اهمیت بالایی برخوردار است.

اما چیزی که کار گل‌آقا را برجسته می‌کند، نکته‌ای دیگر است. زمانی از محمد مسعود، ناشر روزنامه معروف «مرد امروز» پرسیدند چرا در صفحه اول روزنامه‌ات اینقدر فحش و ناسزا به دولتی‌ها و حکومتی‌ها می‌دهی؟ او هم گفته بود من از مردم آمده‌ام و این مردم را بیشتر می‌شناسم، می‌دانم که چه خصلت‌هایی دارند و با این فحش دادن‌ها دل‌شان خنک می‌شود و در نتیجه من هم بیشتر فروش می‌کنم. اتفاقاً در جلسه‌ای هم با حضور ناشران روزنامه‌ها گفته بود که شماها روزنامه‌نگار نیستید و بلد نیستید کار کنید ولی من می‌دانم چطور نبض مخاطبان و مردم را در دست داشته باشم! درست یا غلط، خیلی‌ها چنین عقیده‌ای دارند در عرصه رسانه و طنز و...؛ یعنی تصور می‌کنند با بد و بیراه گفتن و شوخی‌های خط قرمزی و...، می‌توانند دست برتر را داشته باشند. اگر دقت کرده باشید در طنزها و شوخ‌طبیعی‌های میدانی و کف خیابانی نیز، این نگاه وجود دارد و غالباً خط قرمزها زیر پا گذاشته می‌شود. گل‌آقا جزو نخستین نفراتی بود که ثابت کرد می‌توان پاک صحبت کرد و نوشت، پاکیزه انتقاد کرد و در عین حال مخاطب هم داشت و تحمل را بالاتر برد. اینکه بتوانید پاک صحبت کنید و بنویسید و پاکیزه نقد کنید و در عین حال به قدری جذاب و به روز باشید که مخاطب برای‌تان دست و پا بزند و به شهرت فراگیر گل‌آقا هم برسید، از کسی جز کیومرث صابری بر نمی‌آمد؛ امری که نیازی به تلاش چند برابری نسبت به طنزنویسان و طنزنگاران دیگر داشته و دارد. گل‌آقا اما این رنج چند برابری را به جان خرید تا ثابت کند بدون دریده‌زبانی و دریده‌نویسی هم می‌شود اوج گرفت و ماندگار شد و تحمل‌ها را بالا برد...